مدخلهای فلسفی؛ اهمیت و شهرت

کیهان فرهنگی

سلیمان حشمت، رضا

کیهان فرهنگی:دربارهء وظایفتان و گردش کار در این گروه سخن بگویید.

رضا سلیمان حشمت:وظایف برای همه گروهها مشخص شده و شرح وظایف آنها در اختیار مدیر هر گروه قرار گرفته.برای مدیر گروه فلسفه،عرفان و کلام‏ مانند بقیه وظیفه در نظر گرفته شده.عمده‏ترین آنها این است که ما مدخلهای فلسفی،عرفانی و کلامی‏ دانشنامهء جهان اسلام را برای تصویب تهیه می‏کنیم و آنها را سفارش می‏دهیم به نویسنده و پژوهندهء کارشناس در این زمینه،سپس آن را بررسی می‏کنیم و پس از اصلاح یا تصویب،آن را در دسترس دوستانمان‏ در بخش آماده سازی می‏گذاریم برای کارهای ویرایشی‏ و غیره.مدخلهای فلسفه را مشغول شده‏ایم که از ابتدا تا انتهای حروف الفبا درآورده‏ایم.سه مدخل را به‏ تقریب کامل کرده‏ایم که قرار است برای تصویب به‏ شورا ارائه دهیم.چندین مقاله هم نوشته شده که‏ بررسی کرده‏ایم.آقای دکتر ابراهیمی دینانی مشاور گروه هستند که هفته‏ای یک بار با ایشان دربارهء کارها مشورت می‏کنیم.البته بناست برای هر یک از دو بخش‏ عرفان و کلام در گروه ما مسؤولی انتخاب شود.آقایان‏ دکتر سید جعفر سجادی و اکبر ثبوت نیز در بخش‏ عرفان با ما همکاری می‏کنند.

کیهان فرهنگی:ویژگی مدخل‏های‏ این گروه چیست؟

سلیمان حشمت:ما در گزینش مدخل کار را به سه‏ بخش اعلام،کتب و اصطلاحات فلسفی،عرفانی و کلامی تقسیم می‏کنیم.مشاهیر در شمار مدخل‏ها قرار می‏گیرند،کتب بسیار مهم و درجه اول و نیز اصطلاحات خاص در این زمینه‏ها.نیت ما این است‏ که اصطلاحی اصلی را مدخل قرار دهیم تا از آن طریق‏ بتوانیم مفاهیمی را به خواننده انتقال دهیم و کمتر به‏ اصطلاحات فرعی بپردازیم.خوب است برای روشن‏ شدن مطلب توضیح بدهم که برای نمونه دربارهء کتاب‏ «التحصیل»به بهمنیار ارجاع می‏دهیم،ولی دربارهء خود بهمنیار مدخلی در نظر می‏گیریم تا اطلاعاتی را که‏ دربارهء وی موجود است،در آن مدخل بنویسیم.

کار دایرة المعارف آگاهی‏دهی و اطلاع رسانی در حجمی کم و مفید است،بنا بر این باید در مجموع به‏ گونه‏ای باشد که در کمترین حجم بیشترین اطلاعات و آگاهی‏ها به خواننده داده شود.اگر کتابی ویژگی‏ای‏ داشت که حتی از مؤلف آن نیز مشهورتر شده باشد، اینجا ما آن کتاب را مدخل قرار می‏دهیم.اما اگر مؤلف‏ مشهورتر باشد،ذیل آثار او توضیحی دربارهء کتابهایش‏ می‏آوریم.

کیهان فرهنگی:پس ملاک گزینش‏ مدخل‏ها در این گروه تا حدودی اشهر بودن آن است؟

سلیمان حشمت:بله.البته مگر آنکه کتاب خاصی‏ باشد مثل«احیاء العلوم»که به سبب اهمیتشان مدخل‏ جدایی به آنها اختصاص می‏دهیم.در واقع به طور کامل‏تر می‏توان گفت ملاک اشهر بودن و اهمیت مدخل‏ است.

کیهان فرهنگی:در این گروه با چه‏ مشکلاتی رویارو هستید و چه راههایی‏ برای حل آنها پیشنهاد می‏دهید؟

سلیمان حشمت:مشکلات زیاد است،اما بسیاری‏ از آنها عمومی است و اختصاص به گروه ما ندارد.مثل‏ اینکه به طور کلی کار تحقیقی بسیار کم انجام‏ می‏گیرد،یا اگر انجام می‏گیرد در حال حاضر مطابق‏ نظام اطلاع رسانی دقیق از آنها مطلع نمی‏شویم.که در خصوص بسیاری از مدخل‏ها داریم کار دست اول‏ می‏نویسیم.حال اگر بخواهیم دایرة المعارف هر چه‏ زودتر این اطلاعات را گردآوری کند و در اختیار علاقه‏مندانش نهد باید پیشتر این کارهای تحقیقاتی‏ صورت گرفته باشد.

دیگر اینکه کار دانشنامه نویسی،کاری جدی است و باید مستند باشد،دیگران باید به آن ارجاع دهند و

مدخلهای فلسفی‏ اهمیت و شهرت‏ گفتگو با رضا سلیمان حشمت‏ (مدیر گروه فلسفه،عرفان‏ و کلام دانشنامهء جهان اسلام)

\*می‏کوشیم در استفاده از دایرة المعارف‏های خارجی به‏ سبب نامناسب بودن‏ معیارهایشان،عدم آشنایی‏ نویسندگان آنها به زوایای‏ حقیقی اسلام یا تعصبات و دیدگاههای برخی از آنها، بسیار محتاط عمل کنیم.

خدشه‏ای در آن وارد نشود و مقالات آن با معیارهای‏ علمی تدوین یا به طور دقیق ترجمه شود این کار بسیار سخت و دشوار است و امکانات و وسایل بیشتری‏ می‏خواهد.

کمبود منابع از مشکلاتی است که پژوهنده را در به‏ دست دادن سیمایی روشن از مورد پژوهش به دشواری‏ می‏اندازد.عارفانی می‏زیسته‏اند که آثارشان اینجا و یا کشورهای آفریقایی نیست یا در شبه قاره و یا در عثمانی و کشورهای عربی بوده‏اند که شناسایی‏شان‏ مشکل است و در این زمینه‏ها مجبوریم به‏ دایرة المعارف‏های دیگر رجوع کنیم و البته ممکن است‏ مقالهء این دایرة المعارف‏ها با معیارهایی نوشته شده‏ باشد که مناسب ما نیست و ما می‏کوشیم جانب‏ احتیاط را در این موارد رعایت کنیم.

کیهان فرهنگی:منظورتان از «معیارهایی که مناسب ما نیست» چیست؟

سلیمان حشمت:خوب،می‏دانیم دایرة المعارف‏ها از قرن هجدهم که تألیفشان به طور جدی آغاز شده تا به امروز کارشان منحصر به جمع‏آوری و در اختیار نهادن اطلاعات نبوده و غالبا صورت فرهنگ غربی را که فرهنگ جهانی و جهانگیر و تنها فرهنگ قابل دفاع‏ و ماندگار تلقی می‏کردند اصل قرار داده تمامی مآثر و سنن بشری را به مقوله ماده آن گرفته‏اند در مورد دایرة المعارف‏هایی که با نام اسلام یا اسلامی در غرب یا جهان اسلام تدوین شده نیز وضع از همین قرار است ما چنین نحوه تلقی را بنا بر اصول نمی‏پذیریم و برای‏ اسلام حیات و فعلیت قایلیم.دیگر از مشکلات ما اینکه‏ کمتر کسی با مقاله نویسی برای دایرة المعارف آشناست‏ و این ناآشنایی نه تنها کار را دشوارتر می‏کند،بلکه‏ زمان به پایان رساندن کار نیز درازتر می‏شود.فرض‏ بفرمایید ما مقاله‏ای را به پژوهنده‏ای سفارش‏ می‏دهیم.وقتی مقالهء نوشته شدهء وی را بررسی‏ می‏کنیم،از آنجا که در قالب مقالات دایرة المعارفی‏ نوشته نشده مجبوریم خودمان آن را در قالب مقالهء دانشنامه‏ای درآوریم؛یعنی هم وقت ما در گروهمان‏ گرفته می‏شود و هم وقت ویراستاران و آماده سازان در گروه خود و...در هر حال،تا وقتی که کسانی در این‏ کار خبره شوند زمان بسیاری لازم است.

کیهان فرهنگی:پیش از شما مسؤولیت این گروه بر عهده چه کسانی‏ بوده است؟

سلیمان حشمت:پیش از بنده آقای دکتر ابراهیمی‏ دینانی در این مسؤولیت بوده‏اند.

کیهان فرهنگی:همچنان که آگاهید ویراستاران ما بیشتر ویراستاران‏ زبانی‏اند و کمتر کسانی هستند که‏ افزون بر زبان به اصطلاحات اصلی و فرعی هر دانشی نیز آگاه باشند.این‏ کاستی به ویژه از آنجا که در کشور ما رابطهء نویسنده و ویراستار هنوز دو سویه‏ و لازم و ملزم نشده،و به عبارتی فرهنگ‏ ویرایش چنان که باید جا نیفتاده،در بیشتر جاها گاهی درگیریهایی پدید می‏آورد.برای نمونه ویراستاری ممکن‏ است با اصطلاح«جای-گاه»فلسفه‏ آشنا نباشد و با توجه به ضوابط دستوری‏ و زبانی آن را به صورت«جایگاه»اصلاح‏ کند و با«لا امکان»را«امکان ندارد»و «ممکن نیست»یا«لا مکان»کند و مانند اینها،برخورد شما با چنین مواردی‏ چگونه بوده است؟

سلیمان حشمت:بله اینجا هم چنین مواردی رخ‏ داده اما برای پیشگیری از چنین سوء تفاهمهایی مقاله‏ پس از ویرایش در دسترس گروه یا شخص نویسنده قرار می‏گیرد تا چنین کاستیهای احتمالی‏ای اگر پیش آمده‏ باشد،برطرف گردد.در اختیار گذاشتن مقاله پس از ویرایش به دلیل جلوگیری از همین سوءتفاهم‏ها است. البته چنان که شما هم فرمودید اشکال اصلی آن است‏ که ما ویراستار متخصص در دانشهای دیگر کمتر داریم‏ و برای حل اساسی این مشکل یا باید ویراستاران با اصطلاحات یک دانش دیگر آشنا شوند یا نویسنده و آن عالم باید خود را ملزم به فراگیری و آموختن ساختار و دستور زبان فارسی کند.اگر بتوان چنین کاری کرد، به احتمال وضع مطلوبی پیش خواهد آمد.در حقیقت‏ نمی‏دانم که این وضع مطلوب را چگونه باید پدید آورد، اما گمان می‏کنم این کار را باید مؤسساتی چون بنیاد دایرة المعارف و مانند آن انجام دهند که نه تنها خود به‏ آن اشخاص نیاز دارند،بلکه امکانش بیشتر برای این‏ مراکز فراهم است.خوشبختانه در اینجا هم اکنون به‏ آن ترتیب که عرض کردم و با تفاهم و صفا و همدلی این‏ مشکل کمتر بروز می‏کند.نویسنده و ویراستار هر دو مشکل را حل می‏کنند.

کیهان فرهنگی:با سپاس از شما که‏ در این گفتگو شرکت کردید.